



۲۰۱۹/۰۲/۱۳

دوکتور نوراحمد خالدی

مردم افغانستان

بخش اول

تعداد نفوس:

اداره مرکزی احصائیه مسئول جمع آوری و نشر احصائیه های نفوس در افغانستان میباشد. بر همین اساس این اداره همه ساله احصائیه های نفوس مسکون کشور را به تفکیک ولایات، ولسوالیها، نواحی، شهری و دهاتی و جنس (ذکور و اناث) نشر میکند. تمام تخمینهای سالانه نفوس افغانستان در طی ۳۶ سال گذشته، که مورد استفاده دولت و مؤسسات میباشد همه عمدتاً بر پایه نتایج اولین سرشماری نفوس کشور سال ۱۳۵۸، فهرست برداری خانوارها در سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۵ م و بعضی سروی ها، و تخمینهای محلی بعدی نفوس استوار اند.

اخیراً اداره مرکزی، احصائیه نفوس سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۷/۲۰۱۸م) کشور را حدود ۶, ۳۱ میلیون نفر برآورد کرد که ۸,۴ فیصد را نفوس کوچی تشکیل میدهد. در رابطه با نفوس کوچی باید متذکر شد که از سال ۱۳۵۸ تا حال نفوس کوچی نسبت عدم موجودیت معلومات دقیق ۱, ۵ میلیون نفر در نظر گرفته شده است." (وبسایت اداره مرکزی احصائیه، احصایه نفوس).

بعضیها میگویند دولتهای افغانستان سرشماریهای نفوس را انجام نمیدهند چون مقامات نمیخواستند نفوس اقوام کشور معلوم گردد، این برداشت نادرستی است. منظور اولی از اجرای سرشماری معلوم کردن نفوس اقوام نیست. در هیچ قانون اساسی کشور در هیچ زمانی اقوام کشور دارای امتیازات خاصی نبوده اند تا دانستن تعداد هر قوم برای پالیسیهای دولتها اهمیت خاصی داشته باشد. همه مردم افغانستان در برابر قانون حقوق، امتیازات و مسولیتهای مساوی دارند.

عملیات سرشماری از مقدمات تا اجرا، پراسس ارقام، تحلیل و ارزیابی و نشر نتایج بسیار پر مصرف، زمانگیر، تکنیکی و مسلکی میباشد، از این لحاظ در اکثر کشورهای جهان سرشماریها هر ده سال یکبار تکرار میگردند. تنها چند کشور محدود سرشماریها را هر پنج سال انجام میدهند. بطور مثال باآنکه استرالیا در هر پنج سال سرشماری میکند، با آنهم از سه سال به اینطرف مقدمات سرشماری ماه آگست سال ۲۰۱۶ آن جریان دارد و نشر نتایج کامل آن سه سال بعدی را در بر خواهد گرفت.

اولین و آخرین سرشماری نفوس در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹م) به کمک ملل متحد در افغانستان انجام شد. برخلاف گفته های بعضیها (از جمله امین فرهنگ وزیر اقتصاد در سال ۲۰۰۴) این سرشماری یک عمل نمایشی نبوده بلکه تهیه مقدمات آن سه سال را در بر گرفت بشمول نقشه کشی تمام دهات و شهرهای کشور، نمبر گذاری تمام دروازه ها و فهرست کردن تمام خانوارها در عقب این دروازه ها و فهرست برداری خیمه های کوچیها و تثبیت مسیر حرکت آنها.

اصل سرشماری بیست روز را در سال ۱۳۵۸ در بر گرفت و بیش از دو میلیون پرسشنامه خانوارها را بیش از ده هزار سرشماران با انجام مصاحبه با بزرگان هر خانوار در تمام مناطق امن کشور تکمیل کردند. در مناطق صعب العبور کوهستانی و محلات بسیار نا امن، معمولاً دور افتاده، سرشماری انجام نشد. بر همین اساس چون کوچیها معمولاً در همچو مناطق زندگی میکنند، احتوای کامل نشدند. اما برای تخمین نفوس این مناطق از فهرستهای خانوارها که در مراحل مقدماتی سرشماری تکمیل شده بودند و میزان رشد نفوس استفاده شد. متعاقباً معلومات شامل پرسشنامه ها ادخال کمپیوتری شده و بعد از پراسس تمام پرسشنامه ها، نتایج مقدماتی آن در سال ۱۹۸۰ م و نتایج نهایی در سال ۱۹۸۳ از طرف اداره مرکزی احصائیه، وقتی که من مدیر عمومی سرشماری نفوس و سرویهای دموگرافیکی بودم نشر گردیدند.

از سال ۱۳۵۸ به اینطرف سرشماری تازه در کشور انجام نیافته است. با وجودیکه بعد از کنفرانس بن و ایجاد دولت جمهوری اسلامی در سال ۲۰۰۱م تطبیق پروژه سرشماری در دستور کار دولت جدید قرار گرفته و برای تطبیق آن اقدامات جدی و گسترده به کمک صندوق نفوس ملل متحد از طرف اداره مرکزی احصائیه انجام پذیرفت، اما بنابر وخامت اوضاع امنیتی تا امروز دولتها قادر به انجام این پروژه نشده اند. هر کودکی میداند برای سرشماری موجودیت امنیت اهمیت درجه اول دارد. کدام رهبر سیاسی میتواند جان بیش از سی هزار سرشمار (معمولاً معلمین مکاتب) را به خطر انداخته آنها را به دهات و قریه جات اعزام کند؟ حتی در سال ۱۳۵۸ که به مقایسه سالهای اخیر امنیت نسبی در کشور موجود بود تعدادی از کارمندان اداره مرکزی احصائیه جانهای خود را از دست دادند.

واقعیت این است که سیاستمداران ما، طوریکه نتایج انتخابات سال ۲۰۱۴ نشان داد، توان پذیرش و هضم نتایج سرشماریها و انتخابات را ندارند. بطور مثال دولتهای مجاهدین و دولت جمهوری اسلامی بعد از کنفرانس بن در نشرات خود از روی تعصب سیاسی یا از انجام سرشماری نفوس سال ۱۳۵۸ که در زمان حفیظ اله امین اجرا شد انکار میکنند، یا نادیده میگیرند و یا آنرا کم اهمیت جلوه میدهند. حتی سرپرست موجوده اداره مرکزی احصائیه یا از روی نادانی یا از روی اجبار و تعصب سیاسی میگوید سرشماری در سال ۱۳۵۸ شروع شد اما تکمیل نگردید! در حالیکه میدانیم سرشماری مذکور با مصرف ملیونها دالر از شروع کارهای مقدماتی کارتوگرافیکی، نمبر زدن دروازه ها و فهرست برداری خانوارها تا اجرای عملیات ساحه، پراسس ارقام کمپیوتری، تحلیل و ارزیابی نتایج، تهیه راپورها و تکمیل و نشر ارقام در حدود پنج سال را در بر گرفته و تکمیل گردید.

خوشبختانه در نتایج نشر شده سرشماری مذکور چیزی وجود ندارد تا صحت ارقام آنرا بنابر ملحوظات قومی، زبانی و سیاسی خدشه دار سازد. جالب این است که، با وجود کم بها دادن به سرشماری سال ۱۳۵۸، طوریکه نتایج انتخابات سال ۲۰۱۴ نشان داد، سیاستمداران ما توان پذیرش و هضم ارقام و اعداد بدست آمده از نفوس

کشور را از نتیجه عملیات ساحه که مطابق به برداشتهای خاص خودشان نباشد، ندارند. از این لحاظ نباید در سرشماری آینده از قوم و ملیت مردم سوال کرد. با اطمینان میتوانم بگویم که اگر دولت موفق به اجرای یک سرشماری نفوس در آینده گردد و از مردم در مورد قومیت آنها سوال گردد کسانی که خود را در اقلیت مییابند نتایج سرشماری را قبول نخواهند کرد و با تحت سوال بردن نتایج یک سوال، تمام نتایج سرشماری مورد سوال قرار خواهد گرفت.

افغانستان توان آنرا ندارد تا با شمول کردن سوال قومیت تمام نتایج یک سرشماری خود را مورد سوال قرار داده مصارف گزاف آنرا به هدر دهد. برای دانستن احصائیه های نفوس بر اساس قومیت راههای دیگری موجود است که ارقام سرشماری های نفوس میتوانند امکانات آنرا میسر سازند.

افغانستان چهارراه مدنیت ها:

در این شکی نیست که افغانستان باحدود اربعه فعلی خود در حقیقت چهارراه مدنیت های کهن بود، راه ابریشم از همین سرزمین ها گذشته، راههای تجارت از هند به شرق میانه از اینجا گذشته، سرزمینهای آسیای میانه، آریانیای کهن که افغانستان جزء آن است، لشکر کشیهای جهانگشایان زیادی را متحمل شده است. هخامنشیهای فارس چند هزار سال قبل این سرزمینها را اشغال کردند و حتی تا مصر و ترکیه امروزی حکومت کردند. متعاقباً اسکندر یونانی بالای این سرزمینها حمله میکند و امپراطوری سیلوسید را ایجاد کرده دولت گریکو- باختری را در شمال افغانستان امروزی ایجاد میکنند. به تعقیب آنها هونهای سفید، یفتلیها و امپراطوری گوپتای هند و کوشانیها مدنیتهای بزرگ هندو و بودایی را ایجاد کردند که آثار آنها در بامیان، کاپیسا، هده و لوگر وجود دارد. متعاقباً ساسانیهای فارس این سرزمینها را اشغال میکنند. در حدود یکهزار و چارصد سال قبل اعراب به این سرزمینها حمله میکنند و تمدن اسلامی را در این سرزمینها گسترش میدهند. به تعقیب اعراب، ترکتبارهای سلجوقی و خوارزمشاهی و غزنوی این مناطق را مورد تاخت و تاز قرار میدهند. غوریها جهانگشایان بعدی هستند که همزمان با خوارزمشاهیان بالای این سرزمینها اثر میگذارند که به تعقیب آنها مغولها به این سرزمینها سرازیر شده و به تاراج میپردازند. تیموریها و بابرهای و صفویها آخرین جهانگشایان در کشور ما بودند. بنابراین این سرزمینها مدنیتهای زیادی را تجربه کرده که کاوشهای باستانشناسی آثار آنها را در دسترس ما قرار میدهد. مهاجرتهایی هم صورت گرفته و در این مورد تیوریهایی به ارتباط مهاجرت آریاییها از شمال قفقاز، از یوکرین و سائبیریا به جنوب بطرف سرزمینهای ما موجود است. تمام این لشکرکشیها، مدنیتها و مهاجرتها بالای ساختمان نفوس این مناطق ناگذیر، اثر گذاشته اند.

مطالعات بسیار دقیق ژنیتیکی نفوس افغانستان توسط دانشمندان پوهنتون پورت سموث انگلستان بالای اقوام افغانستان در سالهای اخیر انجام یافته و نتایج آن که در یک مقاله تحلیلی در جریده پلوس وان بتاريخ هشتم مارچ سال ۲۰۱۲م، به نشر رسیده نشان میدهد که ساختمان ژنیتیکی اقوام پشتون و تاجک افغانستان شباهت های بسیار زیاد باهم داشته و همچنان نشان میدهد که اقوام پشتون و تاجک افغانستان از لحاظ ژنیتیکی با نفوسهای اقوام شمال و غرب هند بسیار نزدیکتر اند تا اقوام شمال قفقاز، اروپا و ایران امروزی.

این مطالعه برای اولین بار تنوع کروموزمهای Y «ی» را میان بزرگترین اقوام افغانستان مورد بررسی قرار میدهد. در این مقاله ساختمان ژنتیکی افغانهای مدرن مورد بررسی قرار گرفته و تنوع ترکیب ژنتیکی آنها در ارتباط با وقایع شناخته شده تاریخی و حرکات نفوس همسایه ها ارزیابی شده است.

مقایسه ساختمان ژنتیکی اقوام پشتون و تاجک افغانستان شباهت های بسیار زیاد آنها را نشان داده و همچنان نشان میدهد که اقوام پشتون و تاجک افغانستان از لحاظ ژنتیک با نفوسهای اقوام شمال و غرب هند بسیار نزدیکتر اند تا اقوام شمال قفقاز، اروپا و ایران امروزی. این نتیجه می‌رساند که تیوری قبلی مهاجرت آریایها از شمال قفقاز به افغانستان امروزی و از آنجا به هندوستان نادرست میباشد. این مطالعات برعکس قضیه را ثابت میکند به این معنی که اقوام پشتون و تاجک افغانستان شباهت های بیشتر با مردم شمال هند دارند تا همسایه های آنها در غرب و شمال قفقاز.

این مطالعات ارتباط بسیار قوی ژنتیکی اقوام پشتون و تاجک افغانستان را با اقوام شمال و غرب هندوستان ثابت نموده نشان داد که یک ساختمان خاص نفوسی هند و افغان وجود دارد که از بکها و هزاره ها در آن شامل نیستند. همچنان معلوم میشود که پروسه جریان ژن از هندوستان به افغانستان صرف مربوط به اقوام پشتون و تاجک افغانستان بوده و حد اقل از زمان ایجاد اولین مدنیتهای بشری در منطقه یا تمدن وادی سند و تمدن باختر- مارجینیا (تمدن اطراف دریای آمو و دریای مرغاب) برقرار بوده است. مطالعات نشان میدهد که باشنده گان اولیه افغانستان با نفوس شمال و غرب هند، آسیای میانه، ایران و مردم شمال قفقاز تا ختم عصر جمع آوری و شکار و شروع زراعت یعنی بین ۱۲۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سال قبل همه دارای اجداد مشترک بودند. با شروع عصر زراعت است که خصوصیات ژنتیکی باشنده گان اولیه سرزمینی که ما افغانستان مینامیم از خصوصیات ژنتیکی مردمان هندوستان و ایران متمایز میگردند. تکامل و جدایی اقوام و سیستمهای اجتماعی، بخصوص پشتون و تاجک، در افغانستان از عصر تمدن مسی (برونز) یعنی با شروع شهر نشینی پدید میگردد.

مطالعات نشان میدهد که مهاجرتهای تاریخی و لشکرکشیها بالای ساختمان قومی در افغانستان اثرات متفاوت داشته اند. این مطالعات وقوع مهاجرتهای تاریخی و لشکر کشیهای هخامنشیهای فارس و یونانیهای مقدونی، با آنکه اثرات ژنتیکی محدودی میان اقوام افغانستان و اقوام آسیای میانه بخصوص، فارسها دیده شده اما هیچ ارتباط قابل ملاحظه با مقدونیه و بالکان به مشاهده نرسیده است.

مطالعات همچنان نشان میدهد که لشکر کشیهای اعراب در قرن هفتم میلادی و ادعاهای مهاجرت و سکون گزینی اعراب در این سرزمینها با آنکه از لحاظ فرهنگی تاثیرات عظیمی در منطقه بجا گذاشته است، اما اثرات ژنتیکی این لشکر کشیها بالای نفوس محلی این مناطق مشاهده نمیگردد.

توزیع جغرافیایی و قومی زبانهای مروج در افغانستان نیز یک پدیده مغلق بوده است. در حالیکه ساختمان ژنتیکی نفوس اقوام هزاره و ازبک را باهم ارتباط میدهد اما این دو قوم از لحاظ زبانی به دو گروه جداگانه مربوط میشوند. زبان مردم هزاره مانند پشتونها و تاجکها وابسطه به گروه زبانهای هندوآریایی است، در حالیکه زبان ازبکها مربوط به فامیل زبانهای ترکی میباشد. طوری معلوم میشود که زبان ازبکی مروج در افغانستان وارث مستقیم یک زبان ترکی منقرض شده ایست که در قرن پانزده هم میلادی ایجاد شده بود. این در حالی است که

جدایی ارتباطات ژنتیکی میان هزاره ها و ازبکها قبل از این زمان بوقوع پیوسته است. این امر نشان میدهد که اختلافات زبانی میان اقوام افغانستان معرف بروز تغییرات فرهنگی در زمانهای متأخر باشند.

طوریکه میبینیم نتایج این مطالعات با آنچه از تاریخ این سرزمینها میدانیم مطابقت دارد. بطور مثال با حمله مغولها و استیلای طولانی آنها و بازماندگان تیموری شان در ماوارالنهر، خراسان، سیستان، اراکوزیا، فارس، تخارستان، زابلستان، کابلستان و غیره سرزمینها تغییرات بزرگ فرهنگی و جمعیتی در این سرزمینها بوقوع پیوست و تعداد کثیری از مردمان اقوام مهاجم در این مناطق مسکن گزین شدند که از لحاظ ژنتیکی با مردمان محل متفاوت بودند. این مهاجرین در مناطق مرکزی کشور در نتیجه اقامت طولانی و آمیزش با مردم محل زبانهای اصلی خود را از دست داده زبانهای محلی را پذیرفتند. با آمدن صفویها، قزلباشها و فارسیها هم در این مناطق مسکون شده مذهب شیعه را بین مردم محل شایع کردند.

ترکیب قومی نفوس:

موقعیت افغانستان به مثابه چهار راهی مدنیتهها، ناگزیر بالای ترکیب قومی نفوس کشور تأثیر نموده است. در افغانستان بیش از شانزده قوم از جمله پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، پشه یی، عرب، قرقیز، ترکمن، بلوچ، قزلباش، ایماق، بیات، هندو، سیک و غیره زندگی میکنند. هر آنچه ما را به مثابه یک کتله مردم از مردم کشورهای همسایه متمایز میسازد مبانی هویت ملی ما هستند. اسم افغانستان، ملیت مردم افغانستان، زبان دری و پشتوی مروج در کشور، زبانهای ملی کشور، ایجاد مملکت افغانستان و دولت افغانستان، گذشته تاریخی کشور، مبارزات قهرمانانه نیاکان ما برای کسب استقلال سیاسی و ایجاد اولین دولت مستقل بومی در این سرزمین، حفظ استقلال و دفاع از آن در مقابل متجاوزین و گسترش نفوذ و منافع کشور ما در منطقه همه برخی از اجزای هویت ملی ما را میسازند.

نفوس اقوام در کشور هرگز بصورت رسمی از طرف دولتهای افغانستان جمع آوری و نشر نشده است. در سرشماری سال ۱۳۵۸ (اولین و آخرین سرشماری رسمی در افغانستان) با آنکه سوال قوم در آغاز شامل پرسشنامه شده بود اما با آغاز سرشماری دولت تصمیم گرفت برای جلوگیری از اخلاف عملیات سرشماری و جلوگیری از خطر زیر سوال بردن صحت ارقام جمع آوری شده در آینده، سوال مربوط به اقوام افراد را حذف نماید. بنابر این تصمیم از قوم و ملیت مردم سوال نشد. اما در طول چند صد سال گذشته تخمین هایی در مورد نفوس اقوام کشور توسط مراجع مختلف صورت گرفته است. یکی از راههای تخمین تقریبی نفوس اقوام استفاده از احصائیه های نفوس ولسوالیها و تخمین فیصدی ترکیب نفوس مسکون اقوام به تفکیک ولسوالیها بوده که بر اساس آن میتوان نفوس اقوام ولایات و کشور را تخمین نمود. اولین کسیکه برای بار اول به تخمین نفوس اقوام افغانستان دست زد مونت ستوارت الفونستون انگلیسی در سال ۱۸۰۹ بود. موصوف و تیم معیتی تحقیقاتی او بر اساس تخمین نفوس مناطق مختلف در فی کیلومتر مربع و ترکیب قومی مناطق مذکور نفوس اقوام تحت حاکمیت دولت افغانستان را در کتاب خود تخمین و درج میکند. (الفونستون، گزارش سلطنت کابل و ملحقات آن در هندوستان، تارتاری و فارس).

hundred to the square mile, was allowed to any large tract except Cashmeer, and sometimes (as in the whole country of the Hazzaurehs) only eight souls were allowed to the square mile.

The different nations who inhabit the kingdom of Caubul were supposed to contribute to the population in the following proportions :—

Afghauns	4,300,000
* Beloches	1,000,000
* Tartars of all descriptions.	1,200,000
Persians (including Taujiks).	1,500,000
Indians (Cashmeerees, Juts, &c.)	5,700,000
Miscellaneous tribes	300,000

طوریکه میبینیم ارقام فوق ترکیب قومی نفوس مناطق تحت حاکمیت دولت افغان را در سالهای (۱۸۰۹-۱۸۱۰) هنگام سفر الفونستون و هیات تحقیقاتی و تشریفاتی ۲۰۰ نفره او به افغانستان نشان میدهد. هرگاه با استفاده از این معلومات بکوشیم ترکیب قومی نفوس افغانستان را بر اساس سرحدات بعد از معاهده دیورند و سرحدات سال ۱۸۸۰ تخمین نماییم جدول آتی بدست خواهد آمد:

تخمین نفوس اقوام افغانستان توسط مونستوارت الفونستون سال ۱۸۱۰م

تخمین نفوس مطابق سرحدات سال ۱۸۱۰ (الفونستون)		تخمین نفوس سال ۱۸۱۰ مطابق سرحدات معاهده دیورند (خالدی)		اقوام
تعداد ۱۸۱۰	فیصدی ۱۸۱۰	تعداد ۱۸۱۰	فیصدی ۱۸۱۰	
4,300,000	31.2%	2,150,000	43.7%	پشتونها
1,000,000	7.2%	125,000	2.5%	بلوچها
1,200,000	8.7%	1,200,000	24.4%	تارتارها (تمام اقوام ترکتبار بشمول هزاره ها)
1,300,000	9.4%	1,300,000	26.4%	فارسیها (بشمول تاجیکها)
5,700,000	41.3%	-	0.0%	هندیها (کشمیریها، جتها، متفرقه...)
300,000	2.2%	150,000	3.0%	اقوام متفرقه
13,800,000	100.0%	4,925,000	100.0%	مجموع

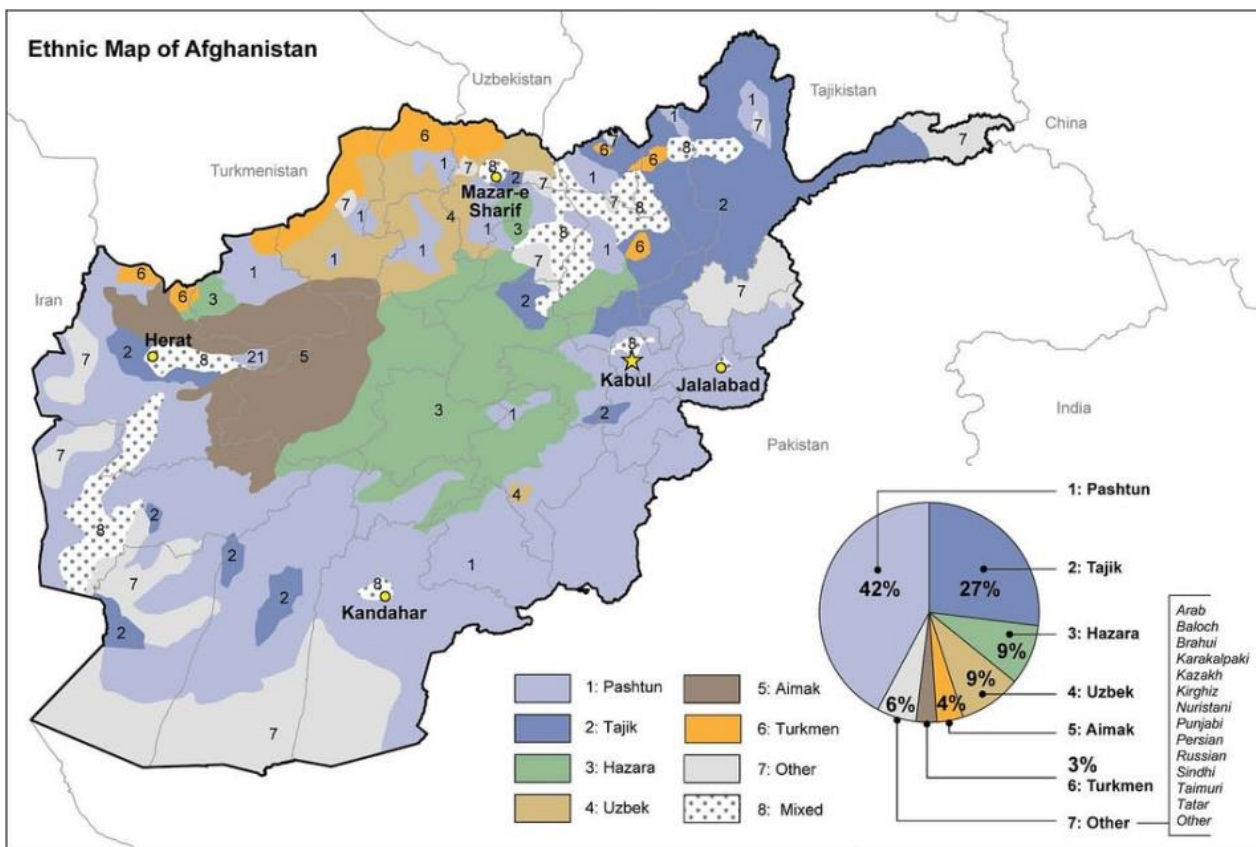
باتوجه به آنکه در سرشماری سال ۱۹۷۹ مجموع نفوس کشور را ۱۴,۵ میلیون نفر تخمین گردید (مسکون ۱۳ میلیون، کوچی ۱,۵ میلیون) تعداد تخمینی نفوس در سال ۱۸۱۰م مطابق جدول فوق که بالغ بر ۴,۹ میلیون نفر را نشان میدهد یک تخمین قابل دقیق و قریب به یقین معلوم میگردد. بر اساس این سنجشها در فاصله ۱۶۹ سال که از سفر الفونستون میگذرد میزان متوسط رشد سالانه نفوس در حدود ۰,۶۷٪ (فیصد) بوده است. این میزان

با نرخ متوسط رشد نفوس ۰,۴٪، هندوستان در سالهای ۱۸۷۰ تا سال ۱۹۲۰ که ۰,۴ فیصد که تا اواخر عصر استعمار از ۱,۳٪ بیشتر نگردید (مقایسه تاریخ هندوستان و اندونیزیا. مجموعه مقالات، بلوسه و ان بوت، نیویارک ۱۹۷۸، ص ۲) قابل مقایسه است.

در سالهای اخیر مؤسسات بین المللی نقشه های ترکیب نفوس قومی کشور را نشر کرده اند. از آن جمله در نقشه ۲ ترکیب قومی نفوس افغانستان و توزیع جغرافیایی اقوام توسط اداره مرکزی استخبارات امریکا (سی آی آی) و اداره مرکزی استخبارات جغرافیایی امریکا نشر شده است.

بر اساس تخمینهای فوق اداره مرکزی استخبارات امریکا (سی آی آی) و اداره مرکزی استخبارات جغرافیایی امریکا ترکیب قومی نفوس افغانستان از قرار آتی میباشد: پشتون ۴۲ فیصد، تاجیک ۲۷ فیصد، هزاره ۹ فیصد، ازبک ۹ فیصد، ایماق ۴ فیصد، ترکمن ۳ فیصد، و سایر اقوام جمعاً ۷ فیصد نفوس افغانستان را تشکیل میدهند.

نقشه ۲: ترکیب قومی نفوس افغانستان و توزیع جغرافیایی اقوام توسط اداره مرکزی استخبارات امریکا (سی آی آی) و اداره مرکزی استخبارات جغرافیایی امریکا:



Source: GAO analysis of Central Intelligence Agency and National Geospatial-Intelligence Agency data; National Geospatial-Intelligence Agency and Map Resources (maps).

در جدول آتی تخمینهای نفوس اقوام افغانستان از منابع مختلف تقدیم میگردد:

تخمین فیصدی های ترکیب قومی نفوس افغانستان توسط مولفین و منابع مختلف							
مجموع (فیصد)	سائر	ازبک	هزاره	تاجک	پشتون	منبع	مولف
100	10	6	9	12.4	62.73	بنیاد واک ناروی 1999	یک سروی و تحقیق شش ساله
100	4	3	3	30	60	افغانستان 1960	مکس کلومبرگ
100	9.9	6	9	12.4	62.7	تولد مجدد مبدأ طالبان، افغانستان و طالبان لندن 1998	وليام میلی
100	10	5	5	20	60	جغرافیای دنیا چاپ پنجم ایران	محمد محبوب و ف باوری
100	11.4	8.6	8.6	18.6	52.8	نفوس جهان 1981 اتحاد شوروی	پروفیسور سی آبروک
100	20		20	60		افغانستان کابل 1955	پروفیسور محمد علی
100	40				60	زیان ملی افغانستان اتحاد شوروی 1964	پروفیسور اسلانوف
100	11	6	9	12	62	سیستم فدرالی در افغانستان پاکستان 2000	محمد انعام واک
100	13	8	8	21	50	پاکستان 1995	شماره 42-43 جریده افغان ملت
100	1.9	8	2.7	28.7	58.7	تاریخ و ایجاد افغانستان لندن 1980	عبدل احمد المیر
100	17			13	70	تاریخ و ایجاد افغانستان ایران 1987	عبدل عظیم ولیان
100	30			20	50	مجله سخن	علی اکبر جعفریان
100	16	7	6	25	46	افغانستان 1973 امریکا	لوی دوبری
100	12	6	19	25	38	افغانستان 1997 امریکا	ورلد الماناک
100	100				55-65	زبانهای بزرگ دنیا 1987	مکیتزی
100	14	8	10	23	45	افغانستان	انتونی
100	9	9	13	27	42	FACTBOOK	CIA
100	6.7	10	11.6	16.3	55.4	نتایج نشر شده انتخابات	انتخابات ۲۰۰۴ ریاست جمهوری*
100	5.7	12	12.2	26.4	43.7	اکادمیا، 2016	دوکتور نوراحمد خالدی
* حامد کرزی (پشتون) ۵۵.۴٪ یونس قانونی (تاجک) ۱۶/۳٪ محمد محقق (هزاره) ۱۲.۲٪ رشید دوستم (ازبک) ۱۲٪.							

در نتیجه با استفاده از منابع مختلف ترکیب قومی نفوس افغانستان را میتوان بادر نظر داشت احصائیه رسمی تخمین نفوس در سال (۱۳۹۷) ۲۰۱۷/۲۰۱۸ م در جدول ذیل خلاصه نمود:

تخمین تعداد و فیصدی نفوس افغانستان به تفکیک اقوام کشور		
اقوام	فیصدی نفوس	تعداد نفوس 1397
پشتون	43.7	13,809,200
تاجک	26.4	8,342,400
هزاره	12.0	3,792,000
ازبک	9.0	2,844,000
ترکمن	3.0	948,000
بلوچ	2.5	790,000
سائر اقوام	3.4	1,074,400
مجموع نفوس	100.0	31,600,000
منبع: ترکیب قومی از دوکتور نوراحمد خالدی		
منبع: تعداد مجموع نفوس افغانستان از اداره مرکزی احصائیه.		

